جهت تهیه فایل WORD این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

بررسی جنبه های نمادین ، نشانه ای و تمثیلی در آیین های نمایشی مردم استان مازندران

سیده آذین ضیائی ، کارشناس ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

تلفن : ۰۹۱۱۳۱٤۷٤٤۳

چکیده :

مازندران فرهنگ و تمدنی غنی و دیرینه را در خود نهفته دارد . ایران که تمدنی شکوفا و فرهنگی متعالی بوده ، سرزمین نشاط و شادی ها نیز بوده است و جشن ها و مراسم ملی و مذهبی پر شکوهی در این کشور برگزار شده است ، همه ی این معتقدات و آداب و رسوم ، از جمله جشن ها ، خصایل و ویژگی های فرهنگی ماست که هیچ گاه فراموش نخواهند شد . مردم مازندران دارای جشن ها و آیین های خاصی هستند که بخشی از این باقیمانده جشن های بسیار کهن است و همه ساله در مازندران برپا می شود . این رساله به بررسی ساختاری ، و مفهومی نمادها ، نشانه ها و تمثیلات موجود در آیین های نمایشی سنتی مازندران می پردازد . نگارنده با استفاده از روش توصیفی تحلیلی ، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی ، مشاهده و مشاهده مشارکتی پرداخته است . نتیجه حاصل از این تحقیق بیانگر این است آیین های مازندران دارای قدمت است اما با توجه به تکنولوژی این آیین ها رنگ و بوی خود را از دست دادند و همانند قدیم کاربرد ندارد جز آیین های محدودی که امروزه برگزار می شوند .

کلید واژه : نماد ، تمثیل ، آیین نمایشی ، انسان شناسی ، هنر مازندران .

مقدمه و بیان مسأله

ایران سرزمین کهن وکشوری پر تاریخ است که هنوز آثار سنت های پر نشاط و جشن های فرا گیر دیر های دور در آن به چشم می خورد . آداب و رسوم هر ملت زاییده تمدن و تفکر خاص آن ملت است بنابراین بهترین راه شناخت اندیشه ها و عواطف هر قوم و ملت تحقیق در مسائل فرهنگی خصوصاً فرهنگ عامیانه آن قوم است که ساده و بی پیراییه ولی ریشه دار و عمیق در بین آن ملت زنده و در جریان است و از نسلی به نسلی دیگر و از طریق نقل سینه به سینه رسیده است . سرزمین مازندران یکی از خاستگاه های اساطیری ملی ما ایرانیان است . همچنین آیین و اسطوره تجسم دریافت یک جامعه از جهان است زیرا می کوشد انسان و رابطه او را با جهان تعریف کند . مازندران که جای جایش ، رازی را نهفته دارد و قدمتی دیرینه . بررسی و شناخت جشن ها و آیین ها ، که در شمار فرهنگ عامه است ، یکی از زمینه های پژوهش مردم شناختی است . برگزاری جشن ها و آیین ها بر ویژگی های فرهنگی ، اجتماعی ، تاریخی ، جغرافیایی و اعتقادی جامعه بستگی دارد . این مقاله راستای بررسی جنبه های نمادین ، نشانه ای و تمثیلی موجود در آیین های نمایشی سنتی مردم مازندران می باشد . استان مازندران ، که در گذشته طبرستان نامیده می شد ، قسمتی از سرزمین کهن ایرانیان است که بر طبق شواهد و یافته های باستان شناسان ، یکی از قدیمی ترین سکونت گاه های بشری به شمار می آید . استان مازندران از لحاظ فرهنگی ، به ویژه از حیث شاخص های فرهنگی ، از مناطق ممتاز ایران شمرده می شود . مازندران سرزمینی است که هم فرهنگ غنی دارد چرا که تمدنی هم پای سایر اقوام برای خود رقم زده است و هم شرایط مساعد به واسطه وجود و فراوانی آب و وجود خاک حاصلخیز برای زندگی دارا بوده است . دسته ای از مصادیق فرهنگ غنی مازندرانی ، رفتارهای اجتماعی خرد و کلان مردم در زندگی روزمره است که در آداب و رسوم ، اعیاد و جشن ها و سوگواری ها حتی شب نشینی هایشان تجلی پیدا می کند . عمر جشن های ایران ، برخی شان با عمر این ملت و مردم برابر است . میلیون ها مردم در سراسر تاریخ این مرز و بوم با شادی و خلوص و اعتقاد این جشن ها را برگزار کرده و رفته اند . پس از هزاران سال ، هنوز مردم این مرز و بوم به فارسی سخن می گویند و می نویسند . همان آداب و رسوم را دارند . همان جشن ها را بر پا می کنند که از پس ما نیز چنین خواهد بود . همه این معتقدات و آداب و رسوم ، از جمله جشن ها خصایل و ویژگی های ماست . نماد ، نشانه ای است از یک موضوع

جهت تهیه فایل WORD این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

غیر محسوس که با وجود اشاره ای مأنوس می شود . تمثیل به مسائل ذهنی عینیت می بخشد و کاربرد آن را در عالم خارج روشن می سازد و به همین دلیل در میزان باور و پذیرش و اطمینان نسبت به مسأله اثر می گذارد . آیین ها در نخستین گام ، ریشه در اعتقادات مذهبی ، باورها و نگره های انسانی دارند . آیین ها آدمی را به اندیشیدن درباره اوضاع و احوال پیرامون خود وا می دارند و در برابر سوالات اساسی که وی از جهان هستی می کند ، پاسخ هایی در قالب کردارها و رفتارهای نمایشی آماده می سازند . این پژوهش به بررسی شکلی ، خاستگاهی و هنری نمادها ، نشانه ها و تمثیلات موجود درآیین های نمایشی سنتی مازندران می پردازد .

محدوده ی مطالعاتی

مازندران محدوده ی معین جغرافیایی را گویند که در کنار دریای خزر قرار گرفته است ، که از شمال به دریای خزر و کشور ترکمنستان ، از جنوب به رشته کوه های مرکزی البرز ، استان های سمنان و تهران ، از مشرق به استر آباد و دشت وسیع گرگان و از مغرب به گیلان محدود است . طول آن از مغرب به مشرق ۳۲۰ هزار گز و عرض آن ۹۶ هزار گز است . کوه های البرز در جنوب مازندران قوس عظیمی را تشکیل می دهد که مازندران را در بر گرفته و عرض آن پنج هزار گز است و مانند سدی قسمت شمالی را از مرکز ایران جدا می سازد و تمام رطوبت دریای خزر را در دامنه ی شمال خود نگه می دارد که موجب بارندگی زیاد مازندران و رطوبت آن می گردد .

اهمیت موضوع

نظر به اینکه صنعت و تکنولوژی رشد سریع پیدا کرده و از سوی دیگر آیین ها و سنت ها در حال نابودی یا تغییرات عمده منجر به تحریف گردیده اند و نگارنده نیز دانشجوی ارشد پژوهش و هنر می باشد ، بنابراین پرداختن به این موضوع از اهمیت علمی ، فرهنگی ، آموزشی برخوردار می باشد .

روش تحقیق

در این تحقیق روش پژوهشگر ، روش توصیفی ، تحلیلی (کیفی) است و پژوهشگر از طریق مشاهده ، مشاهده مشارکتی به صورت ژرفا نگر ، مصاحبه و با استفاده از روش های مطالعاتی به مطالعه پرداخته است .

آیین ورف چال

برف چال نوعی مخزن برف سر پوشیده است که عمق آن از سطح زمین حدود ۷ متر و دهانه آن حدود ۴ متر می باشد دیواره این مخزن از سنگ چیده گردیده و سقف آن با چوب و گل پوشیده شده و در سال های اخیر روی آن را بتن داده اند و برای برداشت برف در قسمت پایین دست چاه تونلی حفر شده که ضمن برداشت برف می توان به کف چاه دسترسی پیدا کرد . منشأ سنت برف چال را باید یک رویکرد زیست محیطی و معیشتی دانست منبع اصلی این عملکرد در ارتباط با شرایطی است که دامداران این گروه در روستای اسک در مرتع اسک وش به دنبال کندن چاله ای برای ذخیره کردن برف برای استفاده در تابستان بودند اما رویکرد منسکی و رسمی آن را باید به بانی این رسم یعنی سید حسن ولی نسبت داد (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۱۱۵) .

نماد ورف چال

در گذشته در منطقه مورد بحث اصولاً زندگی بر پایه ی دامداری و کشاورزی بود ، هرچند دامداری بر کشاورزی ترجیح داده می شد . با این وجود نیاز مبرم به آب همیشه مردم را گرفتار طبیعت و مشکلات عدیده ای می کرد . این امر باعث شد تا مردم دست به ابتکارهایی بزنند . از جمله حفر ورف چال (فلاح ، ذبیحی ، ۱۳۸۸ : ۱۱۱) . اهالی می گویند در گذشته که روستاییان برای تهیه علوفه مرتع مزبور احتیاج

جهت تهیه فایل WORD این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

به آب داشتند به فکر افتادند که برف را ذخیره نموده و در مدت علف چینی از آن استفاده نمایند سپس چند محلی را کندند به سنگ برخورد کرده اند بر حسب اتفاق درویش حسن ولی (سید حسن ولی) از آنجا عبور میکردند با عصای خود محلی یعنی محل فعلی را تعیین کردند و اهالی آنجا را کنده سنگی برخورد نکردند و مکان مناسب را یافته و خرد و کلان به جز خانم ها در یک روز خاص در محل مذکور حضور یافته و مراسم پر کردن برف را در گودال بجا می آورند کلیه خانواده هایی که در این مراسم می نمایند غذا تهیه کرده و بعد از پر کردن برف گودال نهار خورده و به روستای خود بر می گردند البته در این مراسم عده ای از طایفه محترم نیاک به عنوان همکاری و سنت آن پیر (سید حسن ولی) که جدشان می باشد و متولی سید حسن ولی نیز به همین مناسب نان و پنیر از نیاک آورده بین مردم توزیع می نمایند که برگزاری این مراسم بسیار دیدنی و لذت بخش و همبستگی ایجاد می نمایند (ایازآملی ، ۱۳۸۶ : ۲۴) . اسک از روستاهای بخش لاریجان آمل است و در هشت کیلومتری آمل ـ تهران (جاده هراز) واقع گردیده . آب و هوای کوهستانی از یک طرف و محل عبور مسافران و گردشگران از طرف دیگر موقعیت خاصی به این روستا بخشیده است ، به طوری که می توانست مورد هجوم فرهنگ های وارداتی قرار گیرد ، ولی این گونه نشد و فرهنگ بومی این منطقه حفظ گرید (فلاح ، ذبیحی ، ۱۳۸۸ : ۱۱۰) . پس از گسترش آیین مقدس اسلام در ایران و به ویژه سلسله های شیعه مذهب در نواحی شمالی و طبرستان ، آب که در فرهنگ عامیانه ایرانی عنصری مقدس بود ، از جنبه ی تازه ای نیز اهمیت فوق العاده پیدا کرد . وقایع صحرا ی کربلا و ممانعت از رساندن آب به خاندان امامت ، امر سقائی و رسانیدن آب به هم نوع و به ویژه به شیعیان و زوار اهمیت و ارزش بسیار یافت و این مسائل در تشویق برف چال و تداوم آن بی تأثیر نبوده است (فرهادی ، ۱۳۶۹ : ۳۵) . مراسم برف چال عبارت است از : جمع آوری و ریختن برف در یخچالی که گفته می شود در نیمه اول قرن نهم هجری قمری ساخته شده و حدود شش قرن قدمت دارد (زنده دل ، ۱۳۷۹ : ۱۱۰) . انجام مراسم برف چال در اسک ضمن آنکه نشانه ای از تعاون و همیاری روستاییان ناحیه است ، به کینه ها و کدورت هایی هم که در طول سال بین مردم ایجاد شده پایان می بخشد (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۱۱۵) .

آیین نمایشی ورف چال

امور روستا در این روز در دست زن های محل است که با اجتماع در مساجد و نقاط دیگر به اجرای برنامه هایی مانند عروس و داماد ، شاه و وزیر بازی و... سر گرم هستند . از ورود هر مردی به داخل روستا جلوگیری می شود و زنان در روستا با آزادی کامل و سر و وضعی آراسته ، در محوطه ای گرد می آیند و به شادمانی و انجام بازی های مختلف می پردازند بر سر دروازه روستا دو زن پاسداری می دهند و از ورود مردان جلوگیری می نمایند و اگر مردی وارد شود ، او را به شکل زنان در می آورند و پیرامون محل می گردانند و آن روز حکومت در دست زنان است و یکی از زنان شایسته را به عنوان حاکم مرفی می کنند (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۱۱۵) . در چنین روزی زنان شیک ترین و بهترین لباس خود را می پوشند تا در جشن کاملاً آراسته و منظم باشند (فلاح ، ذبیحی ، ۱۳۸۸ : ۱۱۹) . از گذشته مراسم برف چال هر ساله در یکی از روزهای نیمه اول با نیمه دوم اردیبهشت برگزار می شد و روز جمعه به خاطر مناسب بودن آن به لحاظ مذهبی و شغلی اجرا می شد مراسم ورف چال به عنوان میراث معنوی در سازمان یونسکو به ثبت جهانی رسیده است (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۱۱۵) .

جشن تیرگان

تیرگان که به تیر جشن ، آبانگان ، آبانگاه ، آبریزگان ، آبریزان ، آبریجگان و تیرگان فرس نیز معروف است یکی از آداب و آیین های ایرانی که به صورت یک سنت فرهنگی برگزار می شد و اکنون کم تر دیده می شود ، مراسم تیرگان است (برزآبادی فراهانی ، ۱۳۹۰ : ۳۷) .

پیشینه ی تاریخی آیین تیرگان

روح الامینی بیان می کند در ایران ، از کهن ترین زمان ، در هر ماه جشنی که نام آن ماه را داشت ، برگزار می شد . از این جشن های دوازده گانه ، تنها جشن تیرگان ، با نام تیرما سیزه شو (شب سیزده تیرماه) هنوز در مازندران برگزار می شود . انتخاب روزهای جشن بدین

شیوه بود که چون در تقویم کهن هر یک از سی روز ماه را نامی است که نام دوازده ماه نیز در شمار آن سی نام است ، جشن هر ماه در روزی بود که نامش با نام ماه یکی بود . و نام ها متعلق به سی فرشته ی نگاهبان روزها و ماه ها است . جشن تیرگان روز سیزدهم ماه تیر (روز تیر) است (روح الامینی ، ۱۳۷۶ : ۹۹) . آیین « آب ریزگان » یا پاشیدن آب که در جشن تیرگان و به روز تیر (سیزدهم) از ماه تیر انجام می شده ، نوعی ستایش ستاره ی تیشتریه (ایزد باران) و نیز نمایش تأثیر آب بر پایین آوردن حرارت مزاج و دفع بیماری ها بوده است (برزآبادی فراهانی ، ۱۳۹۰ : ۸) . این جشن کهن ملی که امروزه تنها در بخش شمالی کشور برگزار می شود ، آیین ها و مراسمی ویژه به دنبال دارد .که هر یک برآمده از اسطوره یا باوری خاص است . از قرن ششم به بعد ، نشانه های برگزاری جشن تیرگان در اسناد تاریخی اندک است . در دوران معاصر ، از برپایی این جشن کهن تنها در برخی مناطق شمال کشور به ویژه در سوادکوه ، سنگسر ، شهمیرزاد ، فیروزکوه ، دماوند ، بهشهر ، دامغان ، ماها ، ساری ، بابل ، آمل ، نوشهر ، شهسوار و طالقان سخن می رود . جشن تیرگان ، در مازندران « تیر ماسیزّه شو » نامیده می شود . که برخی منابع از آن به نام « نوروز طبری » یاد کرده اند . تیر ماه بنا بر تقویم مازندرانی (که مانند تقویم فرس قدیم است) ، مصادف با آبان در تقویم جلالی است . بنابراین ، روز تیر در ماه تیر ، بنا بر تقویم مازندران ، با سیزدهم آبان در تقویم امروز ایران مصادف می شود (حقیقی ، ستاری ، ۱۳۹۱ : ۷۹) .

اسطوره آرش در ادبیات

تیرگان ، سیزدهم ماه تیر ، موافق ماه است . و این آن روز بود ، که آرش تیر انداخت . ا ندر آن وقت که میان منوچهر و افراسیاب صلح افتاد و منوچهر را گفت : هر جا که تیر تو برسد (از آن تو باشد) . پس آرش تیر بیانداخت ، از کوه رویان و آن تیر اندر کوهی افتاد میان فرغانه و تخارستان و آن تیر روز دیگر بدین کوه رسید . و مغان دیگر روز جشن کنند و گویند دو دیگر این جا رسید . و اندر تیرگان پارسیان غسل کنند و سفالین ها و آتشدان ها بشکنند . و چنین گویند که : مردمان اندرین روز از حصار افراسیاب برستند . و هر کسی به سرکار خویش شدند . و هم اندرین ایام گندم با میوه بپزند و بخورند و گویند : اندر آن وقت همه گندم پختند و خوردند که آرد نتوانستند کرد . زیرا که همه اندر حصار بودند (گردیزی ، ۱۳۶۳ : ۵۱۸) . ایرانیان باستان در مورد جشن تیرگان چنین عقیده داشتند که در زمان پادشاهی منوچهر بر ایران و فرمانروایی افراسیاب بر توران ، جنگی میان طرفین درگرفت و سپاه ایران در مازندران به تنگنا افتاد . عاقبت پش از نبردی فرسایشی و خسته کننده ، دو طرف به آشتی رضا دادند و برای این که مرز دو کشور روشن شود و ستیزه از میان برخیزد ، پذیرفتند تا از فراز البرز تیری به جانب خاور دور پرتاب کنند . هر جا تیر فرود آمد ، همان جا مرز دو کشور باشد و هیچ یک از طرفین از آن فراتر نروند . تا در این گفت و گو بودند ، فرشته ی « اسفندیار مذ » پدیدار شد و فرمان داد تا تیرو کمان آورند و آرش را حاضر کنند . آرش در میان ایرانیان بزرگ ترین کمان دار بود و به نیروی بی مانندش تیر را دورتر از همه پرتاب می کرد و مردی شریف ، حکیم و دین دار بود ، آرش دانست که پهنای کشور ایران به نیروی بازو و پرش تیر او بسته است و باید توش و توان خود را در این راه بگذارد . ابوریحان بیرونی ، حکیم نامور ایرانی ، بقیه ی ماجرا را چنین حکایت می کند : « آرش برهنه شده و بدن خویش را به حاضران بنمود و گفت : ای پادشاه و ای مردم . به تنم بنگرید . مرا زخم و بیماری نیست . اما یقین دارم که پس از انداختن تیر پاره پاره شوم و فدای شما گردم . پس از آن دست به چله ی کمان برد و به نیروی خداداد ، تیر از شست رها شد و خود جان داد . خداوند به باد فرمان داد تا تیر را نگاه داری کند . آن تیر از کوی « رویان » به دورترین نقطه ی خاور ، به فرغانه رسید و به ریشه ی درخت گردویی که در جهان بزرگ تر از آن درختی نبود ، نشست . آن جا را مرز ایران و توران شناختند . گویند از آن جا که تیر پرتاب شد ، تا بدان جایی که فرونشست ، شصت هزار فرسنگ فاصله است . جشن تیرگان به مناسبت آشتی میان ایران و توران بر پا می شد » (برزآبادی فراهانی ، ۱۲ و ۱۱) . تیرگان در فصل تابستان که کمبود باران و گرمای شدید از ویژگی های طبعی آن است ، در واقع نوعی اجرای آیین خاص برای طلب باران بوده که بر ایبزر گداشت تیشتر ، ایزد باران ، برگزار می شده است . از همین رو در برخی منابع کهن ، این جشن ها به نام های « جشن آب ریزگان ، آب ریزان ، آب پاشان ، عید الاغتسال ، جشن سرشوی و ... آمده است » (حقیقی ، ستاری ، ۱۳۹۱ : ۸۱) .

نمادها و نشانه ها در جشن تیرگان

بسیاری از آیین های باستانی نیاکان ما پس از پذیرش دین اسلام هم چنان باقی ماند ، اما در مواردی رنگ و لعابی از دین تازه گرفت ، از جله همین مراسم تیرگان که در روایت بعضی از مناطق ایران زمین ، به عنوان شب میلاد حضرت امیرالمومنین علی (ع) تعیین شده ، چنان که در سرودهای عامیانه (فولکوریک) شان آمده است که :

تیر ما سیزده شو علی دنیا بیمو خلعت علی از عرش علا بیمو

یعنی : شب سیزدهم تیر ماه علی دنیا آمد . خلعت علی از عرش اعلا آمد . و تیرگان سیزدهم ماه تیر موافق ماه است . دادخواه می گوید به نظر می رسد جشن آبریزگان اصلی ، همان تیرگان باشد . و در نوروز عبارت بوده است از غسل و شست و شو و آماده شدن از لحاظ سنن دینی برای حلول سال نو . گفته اند سبب این که ایرانیان در این روز شست و شو می کنند این است که این روز به « هروزا » که فرشته آب است تعلق دارد و آب را با این فرشته مناسبتی است و از این جاست که مردم در این روز هنگام سپیده دم از خواب برمی خیزند و با آب قنات و حوض خود را می شویند و گاهی نیز آب جاری را برخود به سنت تبریک و دفع آفات می ریزند و نیز گفته اند سبب این که ایرانیان در این روز به هم آب می پاشند این است که چون در زمستان تن آدمی به دود و خاکستر آلوده می شود ، این آب را برای پاکی از آن آلودگی ها به هم می ریزند و دیگر آن که هوا را لطیف و تازه می کند و نمی گذارد در هوا تولید وبا و بیماری شود . می گویند چون آب تمیز و زلال است و مایه روشنایی و خیر و برکت ، بنابراین شوربختی و ناکامی را تا اندازه ای زیاد شسته و می زداید . فروهر ها هر چند از نظر رده بندی از امشاسپندان و ایزدان پایین ترند ، پایه های دین زرتشت به حساب می آیند . فروهرها پیش از زاده شدن وجود دارند و امشاسپندان و ایزدان نیز مانند اهورامزدا دارای فروهرند ؛ زرتشت حتی پیش از چشم گشودن بر جهان و در زمان تولد از سوی فروهرها پاسداری می شد (دادخواه ، ۱۳۹۲ : ۱۵۲ و ۱۵۱) . این جشن ملی از دوران باستانی تا به اکنون جشن مشترک میان ، کوه نشینان ، جنگل نشینان و ساکنان جلگه ی مازندران و گیلان بوده است (ایازآملی ، ۱۳۸۶ : ۱۵) . در جشن تیرماه سیزده شو ترکه های بلندی دیده شده که به آن سال شیش زدن می گویند که شخصی با زبان لال لالی به شما ضربه می زند و نمادی از تیر آرش است (ایازآملی : ۱۳۹۴) . اجرای این آیین به این صورت است که « شخصی با لباس مبدل ، دستمالی به سر بسته ، صورتش را سیاه می کند و مانند لال ها با کسی حرف نمی زند . این شخص را لال و لال مار (در کوچ سرای قائم شهر) و لال شیش (در بابل و دارآب کلا) و لال شوش (در تنکابن) می گویند و چند نفر او را همراهی می کنند . او وارد خانه ها شده و با چوب و ترکه ای که در دست دارد ، که به آن شیش می گویند ، ضربه ای به ساکنان خانه می زند . باور دارند که هر کس را بزند تا سال دیگر آن فرد مریض نمی شود (روستای چالی شیرگاه) او (لال) مخصوصاً به سراغ زنان نازا ، حیوانات نازا ، دختران شوهر نکرده و درختان بی میوه می رود و با ترکه به آنها می زند . یک نفر از حاضران پا در میانی کرده ، ضمانت می کند که مثلاً این زن ، آن درخت ، با آن دختر را نزن ، من ضمانت می کنم که باردار شود ، میوه دهد ، به خانه ی شوهر برود (حقیقی ، ستاری ، ۱۳۹۱ : ۸۶) . نام دیگر این جشن در شرح بیست باب ملا مظفر « نوروز طبری » یاد شده » (مجیدزاده ، ۱۳۸۵ : ۶۲) . مراسم تیر ماه سیزده ، سابقاً در اکثر روستاها متداول و معمول بود که امروزه یا به کلی منسوخ یا در شرف فراموش شدن است . مراسم این جشن در اغلب روستاهای استان مازندران نیز با اندک تفاوتی برگزار می شد . نمونه ای از اجرای مراسم جشن در روستای یوش اشاره می شود : جشن اختصاصی مردم یوش « تیره مو سیزده » است ، در این شب (بیستم آبان) ، مردم به خانه هم دیگر می روند و شیرینی می خورند . بچه ها جمع می شوند و پشت در خانه ها می روند ، در می زنند و دستمالی را داخل خانه می اندازند و خودشان مخفی می شوند . صاحب خانه دستمال را پر از شیرینی می کند و بیرون خانه می گذارد تا بچه ها دستمال پر را بردارند (زنده دل ، ۱۳۷۹ : ۱۰۷) . گرچه این جشن یادگار روز نجات ایرانیان از تورانیان و استقلال حدودی کشور ایران می باشد و به قول ابوریحان بیرونی در این روز وقایع دیگری نیز رخ داده است ، اما باید متوجه شد فضیلت عمده ی جشن تیرگان همانا به واسطه ی بستگی داشتن فرشته یا ستاره ی تیر و هم نام بودن با آن و اتفاق افتادن نام روز و ماه در یک موقع است ، چرا که مطابق قانون آیین مزدیسنا ، در هر ماه که نام روز و ماه با هم موافق باشد ، جشن گرفته می شود . جشن تیرگان هم تابع این قاعده است ، منتها این که واقعه ی تاریخی صلح ایران و توران نیز به فضیلت آن افزوده و اهمیتش را زیاد کرده است (برزآبادی فراهانی ، ۱۳۹۰ : ۸۲) .

آیین آفتاب خواهی

در جوامع ابتدایی ، انسان ها به دنبال راه حل های مادی و غیر مادی برای رهایی از پدیده های طبیعی شناخته و نا شناخته بودند . یکی از این اتفاقات باران های سیل آسا و مداوم بود که گاهی موجب تعطیلی کسب و کار و نابودی محصولات کشاورزی می شد ، بنابراین به اجرای آیین هایی برای رفع این مشکلات بودند . در تابستان ۱۳۷۷ خورشیدی سیل شدیدی در مناطق ییلاقی مازندران به راه افتاد . در طول تاریخ ، ایرانیان برای مصون ماندن از بلایای آسمانی دعاهای مخصوصی می خواندند و مراسم خاصی برگزار می نمودند (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۴۳) . سلامتی اوزینه بیان می کند اعمال آیینی با کلام ، ورد و افسونی همراه بود که خاصیت جادویی آن ها بخش اساسی آیین را شامل می شد . به عبارت دیگر آیین ، شامل بخشی بود که اجرا می شد (سلامتی اوزینه ، ۱۳۸۲ : ۱۵۹) .

واوارون

واوارون یکی از آیین های آفتاب خواهی است . واوارون به این ترتیب انجام می شود که نوجوان ها و بچه ها در زیر بارش سیل آسای باران صف کشیده ، پشت پیراهن یکدیگر را با دست نگه می دارند . نفر جلویی جارویی را به دست می گیرد ، به طوری که دسته جارو در دستش و بالای آن تا حدود گردن او باشد ؛ شعر زیر را می خوانند و وارد حیاط خانه ها می شوند : واورن وا ، وارون وا / بینج تو تک لله وا

هر کی اماره دونه ندا / هرکس به ما برنج نداد

وشون خنه ره وا له بدا / خانه اش را باد خراب کرد

صاحب خانه یک کاسه برنج در کیسه آن ها می ریزد و در آخر چند نفر از بزرگترها برنج ها را جمع می کنند . با رویش اولین اشعه آفتاب به سر کوه می روند و از چوپانان شیر می گیرند و در تکیه محل شیر برنج پخته ، بین اهالی تقسیم می کنند . در برخی از نقاط اهالی با جارو و بیل چوبی (فیه) کنار رودخانه یا برکه می روند و با بیل آب را هوا می دهند و به این ترتیب باران را درو می کنند (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۴۴) . زمان اجرا مراسم ، فصل تابستان و موقع درو شالی است که به واسطه طولانی شدن و برخورد با باران های فصلی به جهت ضرر و زیان ناشی از بارندگی از خدا استمداد و تقاضای قطع باران می کنند (سلامتی اوزینه ، ۱۳۸۲ : ۱۵۹) .

نمادها در آیین آفتاب خواهی

سلامتی اوزینه بیان می کند گاو از جمله حیوانات مقدس و در اکثر اساطیر یونان ، روم ، مصر ، بین النهرین ، اوگاریتی ، هیتی ، عبری از آن یاد شده و به شکل های مختلف مورد بهره برداری قرار گرفته است . نماد باروری و خورشید است و در دین زرتشت به عنوان یکتا آفریده نام برده شده و نماد خیر نیز می باشد و از جوهر روشنی اورمزد برخوردار است (سلامتی اوزینه ، ۱۳۸۲ : ۱۶۰) . زیرابی می گوید به هنگام طولانی شدن باران در کیاپی گروهی از مردان جوان جمجمه ی گاوی را گرفته طنابی از آن عبور می دادند و دو نفر دو سر طناب را می گرفتند . به پیشانی جمجمه ی گاو مهر هایی به نام « میرکا » که همان خر مهره است ، می بستند و زنگوله ، جارو و سه پایه ی اجاق نیز به آن طناب می آویختند و آن را تکان می دادند و در کوچه ها راه می افتادند (زیرابی ، ۱۳۹۰ : ۵۱) . طناب و ارتباط آن با مراسم به روایتی نیروی ارتباط دهنده و واسطه بین خورشید (جمجمه ی گاو) و زمین است . در این مراسم انسان نماد زمین است و همانند ارابه ای می ماند که به واسطه نیروی اسب چیزهایی را با خود حمل می کند . در حقیقت بدون اسب ، ارابه معنی ندارد و بدون خورشید زمین (سلامتی اوزینه ، ۱۳۸۲ : ۱۶۱) . در بعضی نقاط سوادکوه این مراسم به « شیلان کشی » معروف است ، که باز همان طلب قطع باران است (زیرابی ، ۱۳۸۰ : ۶۴) . دانای علمی در رابطه با آفتاب خواهی در تنکابن می گوید چندین سال قبل مقاله ای درباره ی مراسمی در رابطه با آفتاب خواهی به نام خورده تایی نوشته بودم که در آن جا ذکر نموده بودم که کشاورزان منطقه در هنگام بهار جوی پاک شده را در جایی به

نام توم جار[1] یا خزانه قرار می دادند و به انتظار رشد سبزه می ماندند و پس از اینکه سبزه یا توم[2] به اندازه مورد نظر می رسید با یاری گرفتن از یکدیگر یا اجیر نمودن کارگر آن را از توم خارج می کردند و در زمین کشاورزی می کاشتند . اما زمانی می رسید که باران می بارید و طولانی شدن آن باعث می گردید که توم ها در خزانه باقی بماند و در نتیجه باعث می گردید که توم ها خراب شوند . برای همین جوانان و بعضی از کودکان مراسم خورده تابی را انجام می دادند . آن ها قوطی حلبی یا دیگ های مسی را همراه با ساقه های خشکیده برنج یا کلس[3] دردست می گرفتند و یکی از آن ها ساجه[4] یا جارویی را بر سر چوب بلندی می بست و با هم شعر خورده تابی را ترنم می کردند (دانای علمی ، ۱۳۸۵ : ۲۲) .

برگزاری جشن های مردمی در هر کیش و آیینی از دیدگاه روان شناختی ، عالی ترین و پرمایه ترین وسیله پرورش و نیروبخشی روان و تقویت خرد از طریق ماده ی مفکوره ی بشری ، عامل هم بستگی انسان ها در مواضع گوناگون زندگی ، موجد هماهنگی اندیشه و سرور و شادمانی در روند حرکت قرون و اعصار ، در عرصه تفریحات سالم است در هر یک از این آیین های انسانی ، بازتاب پر درخششی آشکار شده که زندگی دار و ندار ، فرا دست و فرو دست را فرا می گیرد و آنان را به هر روندی به هم پیوند می زند تا واژه ی انسان و انسانیت در گذرگاه روزگاران ، توان اندوه و دشمنی را در هم شکند ، همگان را دوش به دوش هم راهی دیار دوستی و ماندگاری نماید . آیین های نوروزی و باستانی نیاکان ما گرچه در طول زمان به صورت ماهیتی و شکلی تغییراتی کرده باشد اما در اصل وجود آن ها تغییری به وجود نیامده است . آیین های متعددی در مازندران رواج دارد که تمام این جشن ها و آیین های ایرانی را که در کنار هم بگذاریم در همه ی آن ها ایثار ، گذشت ، مهربانی ، هدیه دادن ، جشن گرفتن را می بینیم . پژوهش حاضر نشان می دهد در حوزه های جغرافیایی فرهنگی هر جامعه وجهی از هنر به مردم طبقه ی عوام جامعه تعلق دارد که در تقابل با هنری است که از میان مردم طبقه ی خاص برخاسته و متعلق به آن طبقه در جامعه است نمادها و تمثیل ها و نشانه های به جای مانده از مردمان مختلف گویای باورهای خاصی اند که از طریق آن ها مفاهیم و معانی خاصی از فرهنگ و رفتارهای اجتماعی در جامعه انتقال می یابد . تعداد زیادی نماد و نشانه را در این آیین ها مشاهده شده است که هر یک به منظور نمایش اجتماعی و یا به قصد انجام نیات آیینی استفاده شده است . به طور مثال : ورف چال نشانه ای از تعاون و همیاری روستاییان است . بسیاری از آیین و مراسمی که در طول تکامل زندگی اجتماعی بشر شکل گرفت برگرفته از نحوه ی زندگی و عوامل موثر بر زندگی اجتماعی بشر می باشد . آثار به جای مانده راهنمای ما در راه شناخت هر چه بیشتر فرهنگ ، عقاید ، آداب و رسوم گذشتگانمان است . با توجه به اینکه نمادها گویای مسائل و نیازها ، خواسته ها و انتظارات اجتماعی است ، پیشرفت تکنولوژی باعث از بین رفتن این آیین ها شده چرا که بیشتر این آیین ها متعلق به گذشته های دور است و امروزه جهت شادمانی و یاد بود از آن ها استفاده می کنند وقتی بحث آیین باشد مردم حمایت می کنند چون علاقه ی بسیار دارند و در پایان ، بررسی نمادهای موجود در آیین های نمایشی ما را به این نتیجه رساند که علی رغم واژه تلخ زوال در نشانه ها و نمادها نوعی نگاه هنری برای بیان مفاهیم فرهنگ و آداب ورسوم وجود دارد و پژوهش حاضر در صدد آن است با شناخت این آیین ها ، آن ها را ثبت و ماندگار کند .

بحث و نتیجه گیری

از آن جا که آیین نمایشی از دو واژه مستقل آیین و نمایش مرکب شده و با تکیه بر تجربه و مستندات معتبر جهانی ، به عنوان هسته ای اساسی برای شناخت و جهان بینی انسان نسبت به پیرامون خود ، تعبیر وقایع و اتفاقات مجهول حیات بشریت و عواملی از این دست به وجود آمده اند ، پس بی سبب نیست اگر بگوییم که ، آیین ها به وجود آمده اند تا اقوام بتوانند بر محیط پیرامون خود تأثیر بگذارند و گستره ی زندگی اجتماعی خود را در مقابل نوسانات و رویدادهای ماوراالطبیعه و غیر قابل کنترل ، متعادل ، متعارف و قابل اطمینان کنند . باورها و اعتقادات مردم هر دوره یا عصر و با هر قوم یا قبیله ای ، مواد اولی و اصلی پیکره عنصری روحی روانی به نام آیین ، به شمار می آید . تجربه نشان داده که ریشه اعتقادات و باورها در زندگی اقوام ، فاقد تاریخ مصرف هستند ، اما قراردادهای اجتماعی و خرده فرهنگ ها ، با هر تحول و تغییری در نظام ملی هرکشوری بلافاصله دچار دگرگونی می شوند و چه بسا در مقابل رفتارهای قبلی همان مردم قد علم کنند.

منابع

– ایازآملی ، حشمت الله . (۱۳۸۶) . **ورف چال** . آمل . اشک قلم .

– برزآبادی فراهانی ، مجتبی . (۱۳۹۰) . **جشن های تیرگان – آب پاشان – اول تابستان از آغاز تا امروز** . تهران . اوستا فراهانی .

– دادخواه ، سید محمدعلی . (۱۳۹۲) . **نوروز و فلسفه هفت سین** . تهران . کسا کاوش .

– دانای علمی ، عباس (جهانگیر) . (۱۳۸۵) . **موسیقی در آیین مهر و نقش سازها در کشتی گیلان و مازندران (بخش پایانی)** . مجله مقام موسیقیایی . اردیبهشت و خرداد . ۴۸ : ۲۵–۲ .

– روح الامینی ، محمود (۱۳۷۶) . **آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز** . تهران آگه .

– زنده دل ، حسن . (۱۳۷۹) . **استان مازندران** . تهران . ایران گردان .

– ستاری ، رضا و مرضیه حقیقی . (۱۳۹۱) . **بررسی کارکردهای « لال شیش » در جشن « تیرماه سیزه شو » و تحلیل زمینه های اسطوره ای آن** . مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی . بهار . ۲۶ : ۹۵–۶۵ .

– سلامتی اوزینه ، جلال . (۱۳۸۲) . **آیین و مراسم طلب آفتاب در منطقه شرق استان گلستان** . مجله کتاب ماه هنر . ۵۶ و ۵۵ : ۱۶۲–۱۵۸ .

– فرهادی ، مرتضی . (۱۳۶۹) . « **دگریاری** » و « **خودیاری** » **در جشن « میان بهار » در « اسک » « لاریجان آمل** » . مجله رشد آموزش علوم اجتماعی . بهار . ۳ : ۳۷–۳۱ .

- فلاح ، نادعلی و علی ذبیحی . (۱۳۸۸) . **ورف چال** . مجله فرهنگ مردم . بهار و تابستان . ۳۰ و ۲۹ : ۱۲۲-۱۰۹ .

- گردیزی ، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود . (۱۳۶۳) . **زین الاخبار** . عبدالحی حبیبی . تهران . دنیای کتاب .

- مجیدزاده ، محسن . (۱۳۸۵) . **آیین های باستانی** . ساری . پژوهش های فرهنگی .

- یوسفی زیرابی ، فریده . (۱۳۹۰) . **آیین های باستانی مازندران در آیینه تصویر** . ساری . شلفین .